



- 1 هان دست خداوند کوتاه نیست تا نرھاند و گوش او سنگین نی تا نشنود.
- 2 لیکن خطایای شما در میان شما و خدای شما حایل شده است و گناھان شما روی او را از شما پوشانیده است تا نشنود.
- 3 زیرا که دستهای شما به خون و انگشتهای شما به شرارت آلوده شده است. لبهای شما به دروغ تگلم می‌نماید و زبانهای شما به شرارت تنطق می‌کند.
- 4 احدی به عدالت دعوی نمی‌کند و هیچکس به راستی داوری نمی‌نماید. به بطالت توگل دارند و به دروغ تگلم می‌نمایند. به ظلم حامله شده، شرارت را می‌زایند.
- 5 از تخمهای افعی بچه برمی‌آورند و پرده عنکبوت می‌بافند. هرکه از تخمهای ایشان بخورد می‌میرد و آن چون شکسته گردد افعی بیرون می‌آید.
- 6 پرده‌های ایشان لباس نخواهد شد و خویشتن را از اعمال خود نخواهند پوشانید زیرا که اعمال ایشان اعمال شرارت است و عمل ظلم در دستهای ایشان است.
- 7 پایهای ایشان برای بدی دوان و به جهت ریختن خون بی‌گناھان شتابان است. افکار ایشان افکار شرارت است و در راههای ایشان ویرانی و خرابی است.
- 8 طریق سلامتی را نمی‌دانند و در راههای ایشان انصاف نیست. جاده‌های کج برای خود ساخته‌اند و هر که در آنها سالک باشد سلامتی را نخواهد دانست.
- 9 بنابراین انصاف از ما دور شده است و عدالت به ما نمی‌رسد. انتظار نور می‌کشیم و اینک ظلمت است و منتظر روشنایی هستیم، اما در تاریکی غلیظ سالک می‌باشیم.
- 10 و مثل کوران برای دیوار تلمس می‌نماییم و مانند بی‌چشمان کورانه راه می‌رویم. در وقت ظهر مثل شام لغزش می‌خوریم و در میان تندرستان مانند مردگانیم.
- 11 جمیع ما مثل خرسها صدا می‌کنیم و مانند فاخته‌ها ناله می‌نماییم، برای انصاف انتظار می‌کشیم و نیست و برای نجات و از ما دور می‌شود.
- 12 زیرا که خطایای ما به حضور تو بسیار شده و گناھان ما به ضدّ ما شهادت می‌دهد چونکه خطایای ما با ما است و گناھان خود را می‌دانیم.
- 13 مرتدّ شده، خداوند را انکار نمودیم. از پیروی خدای خود انحراف ورزیدیم به ظلم و فتنه تگلم کردیم و به سخنان کذب حامله شده، از دل آنها را تنطق نمودیم.
- 14 و انصاف به عقب رانده شده و عدالت از ما دور ایستاده است زیرا که راستی در کوچه‌ها افتاده است و استقامت نمی‌تواند داخل شود.
- 15 و راستی مفقود شده است و هر که از بدی اجتناب نماید خود را به یغما می‌سپارد. و چون خداوند این را دید در نظر او بد آمد که انصاف وجود نداشت.

16 و او دید که کسی نبود و تعجب نمود که شفاعت کننده‌ای وجود نداشت؛ از این جهت بازوی وی برای او نجات آورد و عدالت او وی را دستگیری نمود.

17 پس عدالت‌را مثل زره پوشید و خود نجات را بر سر خویش نهاد. و جامه انتقام را به جای لباس در بر کرد و غیرت را مثل ردا پوشید.

18 بر وفق اعمال ایشان، ایشان را جزا خواهد داد. به خصمان خود حدّ خشم را و به دشمنان خویش مکافات و به جزایر پاداش را خواهد رسانید.

19 و از طرف مغرب از نام یهوه و از طلوع آفتاب از جلال وی خواهند ترسید زیرا که او مثل نهر سرشاری که باد خداوند آن را براند خواهد آمد.

20 و خداوند می‌گوید که نجات دهنده‌ای برای صهیون و برای آنانی که در یعقوب از معصیت بازگشت نمایند خواهد آمد.

21 و خداوند می‌گوید: اَمّا عهد من با ایشان این است که روح من که بر تو است و کلام من که در دهان تو گذاشته‌ام از دهان تو و از دهان ذرّیت تو و از دهان ذرّیت تو دور نخواهد شد. خداوند می‌گوید: از الان و تا ابدالاً باد.